



پیمان مولوی  
اقتصاددان

### اقتصاد چندتکه و «ذهن معمار»

بسیاری از کشورها به سمت اقتصاد بازار سرمایه‌محور رفته‌اند و موفق هم هستند اما اینکه بگوییم ما باید از سمت اقتصاد بانک‌محور به سمت اقتصاد بورس‌محور برویم نه درست است و نه علمی! برای مثال اقتصاد آمریکا ساختار بازار سرمایه‌محور دارد اما این به معنای تأمین مالی صدرصدی از بورس نیست. اینکه بگوییم ما هم باید به همین سمت برویم درست نیست، چرا که اول باید گفت کجای اقتصاد ما شبیه اقتصادهایی مانند ایالات متحده است که حالا بخواهیم در زمینه تأمین مالی مانند آنها رفتار کنیم. ژاپن یکی از بزرگ‌ترین بازارهای سرمایه را دارد اما شاید نتوان گفت کل اقتصاد این کشور در انحصار ۴ غول بانکی است. اقتصاد ما نیز می‌تواند بازار سرمایه‌محور شود و این اتفاق بسیار هم اتفاق خوبی است، چرا که به دلیل شفافیت بسیار بیشتر در این حوزه، به‌طور قطع شاهد کاهش میزان فساد هم خواهیم بود؛ اما آیا اقتصاد ما ظرفیت این انتقال را دارد؟ این سوال بسیار مهمی است که مسئولان باید قبل از هر اقدامی به آن پاسخ دهند. تجربه سال ۹۹ به شخص من اثبات کرد که سیستم اقتصادی ما استعداد عجیبی در فرصت‌سوزی دارد؛ از همین رو چندین خوشبین نیستیم که در مسیر بورس‌محور شدن اقتصاد چندان توفیقی حاصل شود. فراموش نکنید که در سال ۹۹ سیلی از سرمایه وارد بازار بورس تهران شد اما دیدیم که چه اتفاقاتی در بازار سهام رخ داد و فرصت استثنایی که ایجاد شده بود تا بسیاری از ایرادات سیستم اقتصادی کشور را حل کنیم، از دست رفت. مسئولان می‌توانستند حجم عظیم سرمایه را که وارد بازار بورس شده بود، به سمت توسعه زیرساخت‌های کشور هدایت کنند اما با نگاهی به آمار و ارقام متوجه می‌شویم که چنین اتفاقی رخ نداده است. دلیل این موفق نشدن هم به اعتقاد من وجود ذی‌نفعان پرشمار است که در حوزه‌های مختلف حضور دارند. اقتصاد ایران ساختاری چندتکه دارد که ذی‌نفعان زیادی از گروه‌های مختلف در آن حضور دارند و اجازه هر حرکت به‌سوی توسعه را نمی‌دهند. به اعتقاد من برای تغییرات اساسی فقط صحبت کردن کافی نیست. ما باید ابزارسازی کنیم و برای این امر نیز به نیروهایی با «ذهن معمار» (architecture mind) نیاز داریم، در حالی که این ذهن‌های خلاق وقتی در سیستم اقتصادی ما که هیچ معماری مشخصی ندارد، قرار می‌گیرند، از کارایی می‌افتند. امکان اینکه اقتصاد ایران به‌سوی بورس‌محور شدن برود، وجود دارد اما همان‌طور که پیش‌تر نیز گفتیم تجربه سال ۹۹ چندان خوشایند نبود؛ برای مثال می‌شود بنگاه‌های بزرگ و متوسط برای تأمین مالی به سمت بازار سرمایه بروند و کوچک‌ترها از سیستم بانکی تغذیه شوند یا حتی می‌توان از هر دو سیستم (بانک و بورس) برای تأمین مالی استفاده کرد، اما سوال این است که چه گلی تا به حال به سر سیستم بانکی زده‌ایم که حالا انتظار داریم بورس بتواند چور بانک را بکشد؟ ما نرخ بهره را ثابت کرده‌ایم و اسم آن را هم «سود» گذاشته‌ایم! ما بانکداری اسلامی را تبدیل به پدیده‌ای کرده‌ایم که در دنیا وجود خارجی ندارد! توجه داشته باشید که بانک‌های مطرحی مانند «لویدز» و «بارکلیز» شعبه‌های بانکداری اسلامی دارند. با یک مقایسه کوچک می‌توان دریافت که فرق بین سیستم بانکی ما و بانکداری اسلامی از زمین تا آسمان است. متأسفانه ما فقط متخصی استحال‌ه کردن واژگان هستیم. در هر اقتصادی براساس این استراتژی‌ها و با توجه به ابزارهای اقتصادی همان کشور اقدام به استفاده از ظرفیت‌های موجود می‌شود؛ به عبارتی گاهی از بازار سرمایه استفاده می‌کنند و گاهی از سیستم بانکی، اما در اقتصادی با تورم بالای ۲۰ درصد (از سال ۹۷ تاکنون میانگین تورم بالای ۵۰ درصد بوده) کدام شرکتی را سراغ دارید که سیستم بانکی را رها کند تا از منابع دیگر تأمین مالی کند؟ جواب مسئولان برای این مسئله هم نتوانی سیستم بانکی از ارائه تسهیلات بیشتر است، دلیل آن هم این است که بانک‌ها از بازپس‌گیری تسهیلات ارائه شده عاجزند و با مشکلات زیادی مواجه شده‌اند. بار دیگر می‌گوییم بازار سرمایه می‌تواند ابزار بسیار خوبی برای تأمین مالی باشد اما تجربه سال ۹۹ به ما نشان داد که یا نخواسیم در این راستا حرکت کنیم یا اصلاً راه و روش استفاده از فرصت‌های خوب را بلد نیستیم.

### اختصاص ۱۸۰۰ میلیارد از صندوق توسعه ملی به دانش‌بنیان‌ها

با هدف رشد و شکوفایی شرکت‌های دانش‌بنیان و با حمایت‌های صندوق توسعه ملی، در ۳ سال اخیر بیش از ۱۸۰۰ میلیارد تومان اعتبار با نرخ سود ۱۲ درصد به شرکت‌های دانش‌بنیان اختصاص یافت. به گزارش ایسنا، در نامه ستاری، معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری به رئیس گروه اقتصادی دفتر معظم رهبری اعلام شده که صندوق توسعه ملی در حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در ۳ سال اخیر مبلغی بالغ بر ۱۸۳۵ میلیارد تومان نزد بانک‌های عامل ویژه فعالیت‌های دانش‌بنیان

و فناوری و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری البته از همکاری و مساعدت‌های صورت گرفته از سوی صندوق توسعه ملی به‌ویژه برای توسعه فعالیت اقتصادی شرکت‌های دانش‌بنیان و پیشبرد اهداف زیست‌بوم دانش‌بنیان ابراز رضایت کرده است. منابع صندوق توسعه ملی سالانه از محل سهم تعیین‌شده از درآمدهای ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی تأمین شده و در راستای توسعه کشور در قالب تسهیلات به گروه‌های مشمول به استناد اساسنامه این صندوق ارائه می‌شود.

### فراز و فرود اقتصاد ایران در ۱۰۰ سال بررسی شد

# از انقلاب مشروطه تا سودای توسعه

در روزهای پایانی قرن بیستم که نه تنها ایران بلکه تمام جهان دستخوش تغییراتی شده که از بدو پیدایش تمدن‌های بشری تاکنون تجربه نکرده بود؛ تغییراتی که ریشه در عصر روشنگری در اروپا داشته و با گذر از دوران انقلاب صنعتی، شکل‌گیری کشوری مستقل با نام ایالات متحده آمریکا، وقوع دو جنگ خاندان سوز جهانی و انقلاب‌های کمونیستی به دورانی رسیده‌ایم که اصطلاحاً آن را سامدن می‌نامند. یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی در جوامع بشری بر کشیده شد، پدیده دولت‌مردن بود؛ ساختاری جدید و غریب برای کشورهایی که بویی از عصر روشنگری و انقلاب صنعتی نبرده بودند و صدالبته طبیعی برای کشورهای غرب اروپا! اهمیت این مسئله در تاریخ بشری به قدری است که حتی برخی از مورخان بر این باورند که جنگ‌های جهانی اول و دوم نیز مولود طبیعی و اجتناب‌ناپذیر دولت‌مردن‌سازی بوده که باعث پا گرفتن احساسات مپهن‌پرستانه یا ناسیونالیستی شده و حتی در برخی مقاطع این احساسات به قدری رادیکال شده که مرزهای نژادپرستی را نیز در دوران آلمان نازی رد کرده است. اما در آسیا داستان به کلی متفاوت بود. به جرأت می‌توان گفت زمانی که سرزمین‌های شرقی کماکان در گیر سیستم‌های فرسایشی حکمرانی بودند، روشنفکران

سهند اینانو  
editor@smtnews.ir



کمال اطهاری: بورژوازی ملی در واقع متشکل از نیروهای فرهیخته جامعه است که تولید در اقتصاد را به نفع منافع ملی و دولت ملی به انجام می‌رساند، مصداق بارز این قشر در تاریخ معاصر ایران نیز دکتر محمد مصدق است

### راهی که آمده‌ایم!

همین دلیل است که گفته می‌شود وظیفه اصلی بورژوازی ایجاد پیشرفت همه‌جانبه در جامعه است. **بورژوازی ملی و داخلی** این تحلیلگر اقتصادی با تقسیم طبقه متوسط به دو دسته، توضیح داد: بورژوازی کشور ما به دو بخش ملی و داخلی تقسیم می‌شود که هر دو مکملی برای پیشرفت و توسعه کشور هستند. بورژوازی ملی در واقع متشکل از نیروهای فرهیخته جامعه است که تولید در اقتصاد را به نفع منافع ملی و دولت ملی به انجام می‌رساند. مصداق بارز این قشر در تاریخ معاصر ایران دکتر محمد مصدق است که توانست با ملی کردن صنعت نفت تأثیر گسترده‌ای بر ذهنیت جهان طیف در جهت منافع دولت و ملت است؛ البته با ایجاد نهادهای زیربنایی مانند سازمان برنامه و... در پی تحکیم این روند برآمدند که موفقیت‌آمیز هم بود.

بسیار کوچک‌تر شده اما شخصیت‌های برجسته‌ای مانند شجریان‌ها، اصغر فرهادی‌ها و... طیف بورژوازی ملی را تشکیل می‌دهند که حتی حاضرند فرش زیر پای خود را فروخته و خرج تحصیل فرزندان خود کنند تا با افزایش سطح علمی در جهت تأمین منافع ملی حرکت کرده و البته زندگی خود را نیز در سطح مناسبی اداره کنند. این پژوهشگر حوزه توسعه با ابراز امیدواری نسبت به آینده اقتصادی کشور، تأکید کرد: ما اگر چنین طبقه‌ای نداشتیم، امروز باید فاتحه توسعه اقتصادی را می‌خواندیم، اما خوشبختانه جامعه ایران ظرفیت‌های زیادی دارد که می‌توان به آنها امیدوار بود. تحقق این اهداف نیز نیازی به زمان بسیار طولانی ندارد، برای مثال به کره جنوبی نگاه کنید که در یک دوره نه‌چندان طولانی توانست به رشد اقتصادی همه‌جانبه و توسعه دست یابد. زمانی که ما شروع به مونتاژ پیکان کردیم کره‌ای‌ها در مونتاژ هم فرسنگ‌ها از ایران عقب‌تر بودند اما متأسفانه این نسبت در حال حاضر کاملاً برعکس است.

### در مسیر توسعه نیستیم

اقتصادی را داشتیم که متأسفانه امروز اثری از آن دیده نمی‌شود. مثلاً سال‌ها قبل می‌گفتند فلان بازاری اعتبار بالایی دارد و اخلاق مدار است که به‌معنای منصف بودن فعالان بازار بود، اما امروزه چنین چیزی در بین فعالان اقتصادی کشور دیده نمی‌شود و افراد بیشتر در لحظه تصمیماتی می‌گیرند که منافع‌شان حکم می‌کند. در چنین فضایی با کمال تأسف شاهد از بین رفتن اخلاق حرفه‌ای هستیم! **اقتصاد دولتی** این اقتصاددان با تأکید بر اهمیت خصوصی‌سازی، به **اقتصاد دولتی** گفت: مادر سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ حداقل احاطه دولت بر اقتصاد کشور را تجربه کردیم اما پس از انقلاب به دلیل شرایط جدیدی که پیش آمده بود و تغییر مناسبات بین‌المللی و داخلی، اقتصاد ما اجباراً به سمتی رفت که دولت حتی مجبور شد قیمومیت بخش بزرگی از صنایع را نیز بر عهده بگیرد. البته در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای خصوصی‌سازی انجام شده، اما در عمل موفقیتی حاصل نشده است. وی در ادامه تأکید کرد: اینکه ما شاهد بودجه‌های سنگینی هستیم که هر سال در مجلس به بحث گذاشته می‌شود، نشانگر بزرگ بودن دولت است که شوربختانه چندان بازدهی مناسبی نیز ندارد. به همین

### سخن پايانی...

به‌اعتقاد قریب به اتفاق اقتصاددانان گره کار توسعه‌یافتگی اقتصاد ایران در ایجاد «رشد اقتصادی» پایدار است. این عده از کارشناسان بر این باورند که اگر بتوانیم یک رشد اقتصادی پایدار ایجاد کنیم می‌توانیم قدم‌های بعدی به‌سوی توسعه را سریع‌تر و آسان‌تر برداریم. البته این مسئله با توجه به تغییر و تحولات جهان در قرن ۲۱ مستلزم برقراری ارتباط سازنده و بنیادین دیپلماتیک بین کشورها است، چرا که اقتصاد جهان بر پایه اصول اقتصاد باز استوار است و اگر ما نتوانیم جهان را به وجود ثبات در فضای اقتصادی ایران متقاعد کنیم، شرکت‌های عمدتاً خصوصی غربی و شرقی نیز سرمایه خود را با ورود به کشوری که مدام در گریز از سیاسی است، به خطر نخواهند انداخت.

### رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۰

کاهش ۶.۸ درصدی را تجربه کرده است. در مقابل تولید ناخالص داخلی غیرنفتی ایران ۱.۱ درصد رشد کرده، زیرا کاهش ارزش پول ملی ایران، تولید را رقابتی‌تر کرده است. کاهش تولید ناخالص داخلی ایران در فصل نخست سال ۱۳۹۹ ادامه یافت. به‌طوری که با توجه به اقدامات مربوط به مهار کووید ۱۹، رشد اقتصادی در این فصل به ۳.۵ درصد (نسبت به فصل مشابه سال گذشته) رسید و این میزان کاهش تولید ناخالص داخلی در مقایسه با سایر کشورها در سطح متوسطی قرار دارد. اثر کمتر کووید ۱۹ بر اقتصاد ایران، تا حدودی به دلیل پایه اقتصادی کوچک‌تر این کشور

ار ارتباط محدود آن با سایر کشورها پس از دهه‌ها تحریم است. به گزارش بانک جهانی، لغو تحریم‌های آمریکا، مانند اجرای توافق هسته‌ای برجام در سال ۲۰۱۶، می‌تواند اثر اقتصادی بزرگی بر ایران داشته باشد. با توجه به عملکرد اقتصادی ایران در سطح کمتر از سطح بالقوه آن، ممکن است بهبود در سال‌های آتی قوی‌تر باشد. پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۰ به ۱.۵ درصد و در سال ۱۴۰۱ به ۱.۷ درصد برسد. همچنین انتظار می‌رود طی ۲ سال آینده صادرات و واردات کشور با رشد هرچند ناچیز، همراه باشد. طبق آمارها، انتظار می‌رود نرخ تورم

ایران از سال ۱۳۹۹ به بعد روند کاهشی را طی کند؛ حدود ۳۴.۱ درصد در سال ۱۳۹۹ و ۲۷.۴ درصد در سال ۱۴۰۰. نسبت تراز حساب جاری ایران به تولید ناخالص داخلی نیز در سال ۱۳۹۹ به منفی ۶.۶ درصد می‌رسد. در عین حال ریسک‌های چشم‌انداز اقتصاد ایران مربوط به کووید ۱۹ و تحولات ژئوپلیتیکی است. اگر شیوع کووید ۱۹ بار دیگر بسیار افزایش یابد، به‌نحوی که منجر به تشدید اقدامات قرنطینه‌ای شود یا تا سال ۲۰۲۱ واکنس قابل‌اطمینانی توزیع نشود، چشم‌انداز اقتصادی در معرض ریسک قابل‌توجهی قرار خواهد داشت.